

خودارضایی جنسی

احکام آشنا ▶ روح الله حبیبیان

با سلام، در این شماره قصد داریم به یکی از مسائل مهم و محل ابتلای جوانان بپردازیم؛ از آن‌جور مسائلی که معمولاً کمتر گفته یا شنیده می‌شود و اگر احیاناً یک روز در سر کلاس دین و زندگی یا امثال آن درباره‌اش سؤال شود، در عرض چندثانیه و به‌طور اعجاب‌انگیزی همه‌ها و سروصداها به سکوتی عمیق تبدیل می‌شود و همه افراد با تمام توان سعی می‌کنند حالت خود را عادی نشان دهند؛ اما تابلو است که سراپا گوشند!

بله، بحث ما در خصوص یکی از انحرافات جنسی، یعنی «مسأله خودارضایی» است؛ اما پیش از ورود به این بحث، اجازه بدهید به یک مشکل اساسی در همین باره اشاره کنیم.

حاج آقا ببخشید سؤالی داشتم!

حتماً برای بسیاری از شما دوستان مواردی پیش آمده که در تشخیص وظیفه شرعی‌تان یا در هنگام عمل به این وظائف، دچار سؤال یا تردید و تحیر شده‌اید. در این شرایط چه کرده‌اید؟! فرض کنیم به مراجعه به رساله‌ها یا آن عبارات و تعبیرات ناآشنا هم مشکلاتان حل نشد، خصوصاً وقتی که مشکل شما درباره مسائل کمی‌تاقسمتی خصوصی و احیاناً جنسی و خلاصه مربوط به فاز مسائل خاص بود. خداوکیلی چند درصد تلاش کردید خجالت و رودربایستی را کنار گذاشته از یک کارشناس مسائل دینی پاسخ سؤالات خود را بخواهید؟

حتماً قبول دارید که درصد آن خیلی پایین بوده چون معمولاً ما در چنین شرائطی، به‌قول معروف به روی خودمان نمی‌آوریم و با روشنفکری‌مان یک جوری سر قضیه را هم می‌آوریم و بعد هم کله وجدانمان را، که با نگاهی شامت‌بار به ما خیره شده، زیر آب می‌کنیم که: «بابا اینو که نمی‌شه پرسید؟! می‌خواهی همین یک جو آبرو هم از کفم بره؟ آخه حاج آقا بعداً درباره‌ام چی فکر می‌کنه؟ اصلاً از کجا معلوم بتونه جوابمو بده؟...»

آخر کار هم که دیگر قل‌قل نفس‌های وجدان بیچاره در زیر آب به اوج خودش می‌رسد با یک فشار نهایی کارش را تمام می‌کنیم که: «آخه بی‌انصاف! اگر طرف معامله من خداست، خودش می‌دونه من از بچگی خجالتی بودم حتماً خدا هم راضی نیست آبروم پیش دیگران بره من خودم بعداً باهاش حساب می‌کنم خدا باحال‌تر ازین حرف‌هاست...»

و متأسفانه با همین حرف‌های بچه‌گانه، خراب‌کاری‌هایی درست می‌کنیم (!) که به‌جای خر باید تریلی بیاوریم و باقالی بار کنیم!

خال جالب اینجاست که این مشکل مربوط به حالا نیست بلکه در زمان رسول خدا ﷺ هم بعضی از

مسلمان‌ها در پرسیدن مسائل شرعی‌شان دچار همین وسوسه می‌شدند و گاهی با واسطه، سؤالشان را از پیامبر ﷺ می‌پرسیدند؛ حضرت هم معمولاً قبل از پاسخ به سؤالات با خواندن آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ؛ خدا از حقیقت حیا نمی‌کند.» به آن‌ها تذکر می‌دادند که خجالت و حیا در مسائل شرعی، کار درستی نیست و در این زمینه به‌قول معروف، باید دور رودربایستی و خجالت را خیط کشید! اتفاقاً شاید به‌خاطر همین رفتار پیامبر خدا ﷺ بعدها حتی برخی از زنان مسلمان بدون خجالت خدمت حضرت می‌رسیدند و مسائل خاصی می‌پرسیدند که عمراً یک دختر خانم حاضر باشد همان مسائل را پشت تلقن از یک حاج آقا بپرسد.

خلاصه، وقتی پای تکلیف شرعی و حلال و حرام پیش می‌آید باید به‌قول بچه‌ها (x_large) باشیم و بدون شک و تردید به دنبال حل مشکلمان برویم.

خودارضایی از گذشته تا حال

مسأله خودارضایی یکی از قدیمی‌ترین انحرافات جنسی است که دامن‌گیر بشر بوده و همانند یک بیماری - با شدت و ضعف - انسان بیچاره را رها نکرده؛ البته اوضاع در دنیای امروز خیلی وخیم‌تر از همیشه تاریخ شده زیرا یقیناً مطلعید که مسائل جنسی و به اصطلاح sex با همه شاخ و برگ گسترده‌اش چه حجم انبوهی از زندگی بشر امروز را به خود مشغول کرده و بی‌اغراق می‌توان گفت بخش عمده‌ای از دل‌مشغولی‌های انسان‌های کنونی به مسائل مربوط به همین مقوله اختصاص یافته؛ البته به هیچ وجه قصد نداریم جایگاه مهم و نقش اساسی و فطری این غریزه حیاتی را در زندگی بشر انکار کنیم، اما اوضاع و احوال جهان امروز به سمت و سویی رفته که خالی کردن ذهن و فراغت خاطر از ابعاد انحرافی و اضافی این مقوله، به امری غیر ممکن بدل شده است!

تصور کنید یک جوان عزب قلی! اول صبح با صدای زنگ موبایلش که صدای تحریک کننده فلان زنیکه خواننده است، از خواب بیدار می‌شود؛ قبل از خروج از خانه به عشق جلب توجه بیشتر برخی از خواهران (!) کلی با سر و رو و لباس خود ور می‌رود بعد هم در خیابان و سرویس دانشگاه و کلاس و بوفه با همکلاسیات محترمه (!) محشور است و فرصت‌های درون کلاس و ماشین و... هم با اس‌ام‌اس‌های ارسالی به‌قول خودشان ۱۸+ پر می‌شود. شب هم اگر اهل فیلم و ماهواره نباشد با سریال‌های درپیتی صدا و سیما آخرین فایل‌های خالی ذهن خود را پر می‌کند. سریال‌هایی که معمولاً یک محور اصلی، مثل اعتیاد و

قرص اکس و یا کلامسائل خانواده (ازدواج و طلاق) دارند و در کنارش شصتادتا دختر و پسر که برای هم کلی ناز و غمزه می‌آیند تا در قسمت آخر یا به هم برسند یا بنا بر مُد سریال‌های اخیر بمیزند و وعده دیدار به آن دنیا... حالا بالاغیرتاً وقتی این‌همه افکار جنسی و عشقی روزانه روی مخ این جوان، گل کوچیک بازی کند، دیگر چقدر انتظار داریم او ذهن خود را از وسوسه‌ها و خیالات گمراه‌کننده خالی کند و گرفتار انحرافات نشود؟ نتیجه این اوضاع قمر در عقرب همان می‌شود که پژوهشگران و جامعه‌شناسان آمار وحشتناک بدهند.

البته ما هم مثل شما امیدواریم این آمارها دروغ بوده و دست استکبار جهانی از آستین این پژوهشگران بیرون آمده باشد! اما از خدا که پنهان نیست، از ما و شما هم نباشد که قدما فرموده‌اند: «آن‌را که عیان است چه حاجت به بیان است؟!» کافی است نگاهی به برخی وبلاگ‌های وطنی بیندازید و دغدغه‌ها و درد‌های جوانان هموطن را از تصاویر و مطالب و جوک‌های موجود دریابید! اصلاً نیاز نیست راه دوری بروید؛ گلاب به روی شما، با یک نگاه به نوشته‌های پشت در سرویس‌های بهداشتی عمومی کافی است تا شمه‌ای از افکار نسل جوان دست انسان بیاید...

مُلَخَّص کلام؟!!

همه این درد‌دول‌ها و مقدمات طولانی را که بیشتر به بحث‌های جامعه‌شناسی شبیه بود، گفتیم تا به این نکته برسیم که در این وضعیت، تنها و تنها عامل بازدارنده و حافظ انسان از انحراف و سقوط در پرتگاه‌های مهلک، اعتقاد دینی و دل دادن به یک نیروی الهی و فوق بشری است؛ والا نفس سرکش برای فریادهای وجدان و فطرت و حتی گفته‌های پزشکان و پژوهشگران تره هم خورد نمی‌کند! به‌خصوص در غریزه قوی جنسی، آن هم در انحرافات نظیر خودارضایی که از محدوده خود انسان فراتر نمی‌رود و انسان است و خودش؛ اینجاست که شیطان چه از نوع الیاسی و چه از انواع دیگر به میدان می‌آید و شروع می‌کند به وسوسه کردن: «بابا! کی گفته حرامه؟ اصلاً کجای قرآن آمده؟ این یک راه رهایی از فشارهای درونی و روحیه، برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی و خطرناک‌تر!...»

حالا به‌نظر شما واقعاً حکم شرعی خودارضایی چیست؟ خودارضایی، که در تعبیرات فقهی از آن به استمناء یا استمشاء (طلب منی و طلب شهوت) نام برده می‌شود، به‌هرکاری اطلاق می‌شود که انسان بخواهد انجام بدهد تا به لذت جنسی برسد؛ آن هم در حدی که حالت تخلیه جنسی به‌وجود بیاید!

کسی که قصد جدی برای دوری از گناه را دارد و دلش می‌خواهد درست مخلص خدا باشد، همیشه خود را از زمینه‌های انحراف و مقدمات آن هم دور می‌کند؛ مثلاً از ابتدا چشم خود را از هر نگاهی و گوش خود را از صدایی و دست خود را از کلیک روی هر ویلاگی، که ممکن است موجب تحریک او شود، حفظ می‌کند تا کارش بیخ پیدا نکند...

ثانیاً: بر فرض بپذیریم که این حرف صحیح بوده و روان‌پزشکی که دستور این عمل مضر و اعتیادآور را داده، خودش روان‌پزشک نبوده و واقعاً این عمل در حل بیماری فردی مؤثر باشد، آیا این نسخه‌های غربی برای جامعه ما کاربرد دارد؟ یعنی یک پزشک غربی که مشکل خودارضایی را تنها در برخی ضررهای جسمانی آن ببیند، شاید به مریض خود پیشنهاد این کار را بدهد، اما در جامعه اسلامی ما با نوع نگاه خاص دینی‌مان - با توجه به فشارهای مضاعف روحی این رفتارها و احساس گناه و سرخوردگی اجتماعی و روانی که به ناچار به دنبال این عمل خواهد بود - یقین بدانید هیچ پزشک کاردان و دلسوزی چنین نسخه‌ای را نخواهد پیچید؛ چه رسد به یک پزشک متدین که آخرت مریضش همانند دنیایش برای او اهمیت دارد.

ثالثاً: چنین درمان‌های احتمالی با فوائد ناچیز آن هیچ‌گاه مجوز انجام گناه نخواهد بود و هیچ فقهی به آن حکم نمی‌دهد؛ زیرا مقلوبه اضطرار و ناچار شدن برای ارتکاب کار حرام، شرائط و ضوابط خاص خود را دارد.

مرز اضطرار و ضرورت

در پایان به نکته‌ای در همین خصوص اشاره کنیم که، گاهی سؤال می‌شود در برخی آزمایش‌های زوج‌های جوان از آن‌ها در خواست می‌شود اسپرم خود را به‌عنوان نمونه آزمایشی بوسیله استمناء خارج کرده تحویل دهند، آیا اینجا حلال است؟

مقام معظم رهبری در پاسخ به چنین پرسشی مرقوم فرموده‌اند که، صرف آزمایش‌هایی نظیر آزمایش قدرت بچه‌دار شدن، مجوز انجام استمناء نمی‌شود. (اجوبه الاستفتائات، مسأله ۷۹۰)

در آخر، امیدواریم خداوند همه جوان‌ها را از همه انحرافات به‌خصوص از این انحراف اعتیادآور و خطرناک حفظ کند و اگر جوانی، خدای نکرده به این مشکل مبتلاست یا توکل به خدا و توسل به اهل بیت و تلاش، اراده و همت خودش از آن نجات پیدا کرده، لذت خوش

پاکدامنی و توبه حقیقی را بجشد و با دوری جستن از مقدماتی مثل رفاقت با دوستان ناباب، دیدن فیلم‌ها، پرسه در اینترنت و... و نیز انس با قرآن و توستان متدین و...

باید خود را پاک نگه دارد و بداند که کارهای سخت‌تر مزدهای بزرگ‌تر و جویز غیر قابل تصویری در پیش خداوند خواهد داشت.

زندگی در پیچ و تاب ننگ و عادت مردن است؟ دست دست توست، بشکن این طلسم ننگ را

گناهان! ما که انواع گناهان را مرتکب می‌شویم، حالا تا وقت ازدواج گرفتار این گناه هم باشیم! اگر «اوستاکریم» بخشید که همه را می‌بخشد، اگر هم نبخشید که یک گناه، کم و زیاد توفیری ندارد...! اما حقیقت مطلب این است که اگر نیم نگاهی به روایت مربوط به این قضیه بیندازیم، می‌فهمیم این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست! و اوضاع در خصوص این انحراف خیلی بی‌ریخت است!

قابل توجه!، بسیار قابل توجه!

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است: «سه دسته‌اند که خداوند (در روز قیامت) با آن‌ها سخن نگفته و با نظر رحمت بر آن‌ها نمی‌نگرد و یک دسته از آن‌ها کسی است که به‌وسیله عضو خودش شهوتش را خارج کند.» (وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله هم نقل شده: «هر کس با دست خود شهوتش را بیرون کند، ملعون است.» (مستدرک‌الوسائل، باب نکاح) مستحضری وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله که رحمة‌العالمین است چنین شخصی را ملعون می‌خواند، یعنی دور از رحمت خدا! وضع چقدر خطرناک است...

در جای دیگر نیز امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که چنین کاری انجام می‌دهد باید تعزیر شود.» (یعنی توسط حکومت اسلامی مجازات شود. هم‌چنانکه امیرمؤمنان، جوانی را که گرفتار همین انحراف بوده، با زدن شلاق به کف دستش مجازات فرمودند.) و بعد حضرت می‌فرماید: «اگر کسی که چنین کاری را می‌کند بشتانم، یا او هم غذا نخواهم شد.» (وسائل، ج ۱۸، ص ۵۷۵) وقتی امام معصوم که از هم‌غذایی با زنده‌پوشان و جذامیان و مانند آن‌ها ایایی ندارد، چنین فرمایشی را بفرماید شما خودتان عمق فاجعه را دریابید.

پس بعضی‌ها چه می‌گویند؟

مطلب مهم دیگری که حتماً باید به آن توجه شود این است که بعضی‌ها در برخی موارد، خودارضایی را به‌عنوان راه‌کارهای جلوگیری از افسردگی و برخی مشکلات روحی و روانی پیشنهاد می‌دهند! پس کاربرد درمانی هم برای این عمل وجود دارد! در این شرائط تکلیف چیست؟

در جواب باید بگوییم

اولاً: مشابه همین سؤال از ائمه هم می‌شد، مثلاً فردی خدمت حضرت می‌رسید و می‌گفت طیب به من دستور داده برای درمان بیماری‌ام قدری شراب بنوشم، تکلیف چیست؟ و حضرت در پاسخ، او را نهی کرده می‌فرمودند: «خداوند در چیز حرام شفاء قرار نداده.»

طبق نظر همه فقها و مراجع، این کار از گناهان کبیره و حرام است؛ دلیل آن هم واضح است، زیرا علاوه بر ضررهای متعدد روحی و جسمی که این بیماری برای انسان به ارمغان می‌آورد، با یک اصل کلی دینی منافات دارد!

اسلام دین حریم‌ها

در اسلام هر چیزی در محدوده خاص خودش تعریف می‌شود؛ مثلاً خوردن و آشامیدن که از عادی‌ترین نیازمندی‌های انسان است، به‌طور مطلق حلال نیست بلکه فقط غذاهایی که از مال پاک و غیرعصبی به‌دست آمده و هم‌چنین از نجاسات و آلودگی‌های ظاهری هم پاک باشد، به‌علاوه مثلاً از حیوانات حلال گوشت تهیه شده باشد و... جایز و حلال است.

لذت‌های جنسی هم همین‌طور؛ یعنی فقط در محدوده خاص خود که همان ارتباط با همسر و در محیط خانواده باشد، تعریف شده و در این شرائط بسیار مطلوب حتی با ثواب اخروی همراه است؛ اما در خارج از این محدوده، از زشت‌ترین گناهان محسوب می‌شود و استمناء هم جزو همین رفتارهای خارج از چارچوب است. در سوره مؤمنون آیات ۷ تا ۷۵ به صراحت اشاره می‌کند که مؤمنان دامن خود را حفظ می‌کنند مگر از همسر و کنیزانشان و هر که بیرون از این محدوده را طلب کند جزو تجاوزکاران است! و امام صادق علیه السلام در روایتی، استمناء را جزو همین تجاوزگری دانسته‌اند...

حتی در این روزگار؟

ممکن است بگویید شما خودتان این‌همه روضه خواندید و در دودول کردید که وضعیت جامعه امروز چنین و چنان است و خواسته یا ناخواسته انسان به این سمت و سو می‌رود، پس چاره‌ای وجود ندارد و جوان‌گرفتار به این مشکل، حکم مضطر را دارد که گناهی بر او نیست! در حالی که از یک نکته غافل شده‌اید: این که قرار هم نیست دین‌داری و بندگی خدا به این آسانی‌ها و هلو برو تو گلو (!) باشد.

البته سختی و فشار و مبارزه با نفس و شیطان را هم می‌خواهد و صدا البته کسی که قصد جدی برای دوری از گناه را دارد و دلش می‌خواهد درست مخلص خدا باشد، همیشه خود را از زمینه‌های انحراف و مقدمات آن هم دور می‌کند؛ مثلاً از ابتدا چشم خود را از هر نگاهی و گوش خود را از صدایی و دست خود را از کلیک روی هر ویلاگی، که ممکن است موجب تحریک او شود، حفظ می‌کند تا کارش بیخ پیدا نکند...

امکان هم دارد یک جوان گنهکار و مبتلا به این بلا بگوید نه‌ایتش این که این هم یک گناه روی بقیه